

لبنان: جنگ و سیاست در جامعه «از هم گسسته»

خاورمیانه عنوان کرد.^۲ به نظر او، بیشتر بررسی‌های مربوط به این منطقه، جنبه توصیفی و تاریخی داشته و کمتر به مباحث نظری و کاربرد آن در منطقه پرداخته‌اند. گرچه دانشجویان و محققان مطالعات خاورمیانه‌ای، در سالهای اخیر، تلاشهایی را برای طرح مسائل و الگوهای نظری در منطقه شروع کرده‌اند،^۳ اما کمیت این آثار در مقایسه با سایر مناطق در حال توسعه، نظیر آمریکای لاتین، چندان چشمگیر نیست. در واقع، باید بر این نکته تأکید کرد که ره‌یافت تاریخی و تحلیلی، هنوز سلطه خود را بر مطالعات خاورمیانه‌ای حفظ کرده است. کتاب لبنان: جنگ و سیاست در یک جامعه

Charles Winslow, *Lebanon: War and Politics in a Fragmented Society*. (London: Routledge, 1996): pp. 345.

یکی از محققان مسائل خاورمیانه که در اوایل دهه ۱۹۹۰، پیرامون روابط بین‌المللی منطقه و سیر تحول مطالعات مربوط به آن تحقیقاتی انجام می‌داد، با طرح بحث مهمی در یکی از نشریات خاورمیانه‌شناسی، «توسعه نیافتگی نظری»^۱ را یکی از مشکلات اساسی مطالعات

از هم گسسته، یکی از نمونه‌های متعدد این نوع آثار است.

چارلز وینسلو، نویسنده کتاب، طی ده فصل، تاریخ و سیاست لبنان را از دوران باستان تا عصر حاضر مورد بررسی قرار داده است. با این همه، تکیه اصلی نویسنده بر تاریخ معاصر لبنان، از اواسط قرن نوزدهم به بعد قرار دارد و تنها در فصل اول کتاب، سیری کوتاه در تاریخ این منطقه، از دوران باستان تا سال ۱۸۴۰، یعنی مرحله آغاز جدی اختلافات فرقه‌ای صورت گرفته است. نویسنده، هدف از نوشتن کتاب را دو مسئله بیان می‌کند: اول، بازگفتن داستان لبنان و دوم، طرح تجربه آن در یک چارچوب مناسب ژئوپولیتیک. از نظر او، کتاب برای پاسخ دادن به این دو سؤال اساسی نوشته شده است: آیا می‌توان لبنان را دوباره نظام داد؟ و آیا چنین کاری لازم است؟

نویسنده، گرچه داستان لبنان را در دوران معاصر به طور نسبی و به خوبی بیان می‌کند، اما در باره ژئوپولیتیک مسائل لبنان و جایگاه آن در منطقه خاورمیانه، بحث مستقلی نمی‌کند. گرچه وینسلو در مقدمه خود در کتاب مدعی شده است که اثر او

یک چارچوب مفهومی برای اندیشیدن پیرامون بازسازی لبنان، به شیوه‌ای که کاربرد سیاسی داشته باشد، ارائه می‌دهد»، اما خواننده پس از خواندن تمامی اثر چارچوب مفهومی خاصی برای رسیدن به هدف کشف نمی‌کند. در واقع، باید تأکید کرد که نویسنده تنها در صفحات معدود مقدمه و ۵ صفحه پایان کتاب درصدد برمی‌آید درباره مشکلات لبنان و آینده آن، خطوطی کلی ترسیم نماید. چارچوب و بدنه اصلی کتاب، شرح دقیق تر تحولات تاریخی و بویژه درگیری‌ها و کشمکش‌های فرقه‌ای است. گرچه، نویسنده وعده می‌دهد که فصول کتاب را براساس یک چارچوب چهار سطحی (محلی، در سطح جامعه، ملی و منطقه‌ای) سازماندهی کند، اما فصول ده‌گانه کتاب، براساس نقطه عطف‌های تاریخی کشمکش‌های داخلی و فرقه‌ای تقسیم بندی شده است.

مقدمه کوتاه نویسنده، امیدهایی را در آغاز به خواننده نوید می‌دهد که چنانچه بدنه اصلی کتاب نیز بدان می‌پرداخت، می‌توانست از لحاظ روش‌شناسی و پایه‌های نظری، در نوع خود اثری قابل ذکر باشد. اما

نویسنده، گرچه داستان لبنان را در دوران معاصر به طور نسبی و به خوبی بیان می‌کند، اما در باره ژئوپولیتیک مسائل لبنان و جایگاه آن در منطقه خاورمیانه، بحث مستقلی نمی‌کند. گرچه وینسلو در مقدمه خود در کتاب مدعی شده است که اثر او

همان‌گونه که عنوان شد، متأسفانه بدنه کتاب، کاملاً توضیح و گسترش بیان مشکلات و مسائل طرح شده در مقدمه نیست. وینسلو در مقدمه کتاب، هدف، طرح مشکل و نظریه اصلی کتاب را مورد بررسی قرار می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، هدف کتاب بیان داستان لبنان و قرار دادن تجربه آن در یک چارچوب مناسب ژئوپولیتیک است. نویسنده، در طرح مشکل و مسئله اصلی کتاب می‌گوید که شرایط لبنان را می‌توان به بهترین وجه یک پارادایم لوانتی^۴ دانست که سه ویژگی اصلی دارد: آسیب‌پذیری ژئواستراتژیک، حاشیه‌نشینی اقتصادی، و سرانجام نسبییت اخلاقی. آسیب‌پذیری ژئواستراتژیک، از نظر نویسنده به این معنی است که «لبنانی‌ها باید در «دالانی» زندگی کنند که ارتش‌ها از آن در حال عبور و مرور هستند و مانع از آن می‌شوند که فرد لبنانی، وقت کافی و لازم برای نهادینه کردن یک فرآیند سیاسی متقابل و با ثبات داشته باشد. حاشیه‌نشینی اقتصادی به کمیاب بودن منابع در این کشور اشاره می‌کند و سرانجام، نوعی نسبییت اخلاقی بر روابط حاکم است که باعث می‌شود تا لبنان

«بر برش کیک تا کیک کند تا به اندازه آن». همین نسبییت اخلاقی است که با یک نظم با ثبات سازگار نیست. نسبییت اخلاقی باعث می‌شود تا «آگاهی عمومی فرد فراتر از روابط خویشاوندی، جناح و جامعه فرقه‌ای گسترش نیابد». در یک کلام، وینسلو این گفته یکی از شرق‌شناسان درباره فرد «سوری» را که می‌گوید «میهن پرستی او به چهار دیواری خانه اش محدود می‌شود»، در مورد فرد «لبنانی» نیز صادق می‌داند. (ص ۵)

نظر عمده نویسنده نیز آن است که لبنانی‌ها «کشمکش پرور» یا «متمایل به کشمکش» هستند. منظور او از متمایل به کشمکش این نیست که :

لبنانی‌ها از دیگران جنگ پرورتر بوده یا طرفدار فتح و تصرف سرزمین‌ها می‌باشند. جوامع کشمکش پرور به جنگهای «بزرگ» دست نمی‌زنند. آنها قادر نیستند وفاداری و همکاری تعدادی کافی از مردم را بدین منظور به دست آورند. افراط در فردگرایی و نیز روانشناسی فوق‌العاده دفاعی است که بر دیدگاه آنها غالب است و مانع از

آن می شود تا خود را برای فعالیت های عمومی دراز مدت و گسترده سازماندهی کند. (ص ۴).
 این دعاوی کلان روانشناسانه که ما را به یاد استدلال های نظریه پردازان نوگرایی (مدرنیزاسیون) می اندازد، و بسیار هم قابل چالش و انتقاد می باشد، تنها بحث های نظری کتاب است که در چارچوب صفحات محدود مقدمه باقی می ماند.
 وینسلو به جای اینکه متن کتاب و فصول بعدی اثر را به توضیح و تفسیر این دعاوی اختصاص دهد، به بحث های تاریخی پیرامون تحولات معاصر لبنان از نیمه قرن نوزدهم تا دهه ۱۹۹۰ می پردازد. در واقع متن اصلی کتاب ربط چندانی به اظهارات نویسنده در مقدمه کتاب ندارد.
 فصل نخست کتاب، مردم و تاریخ لبنان تا سال ۱۸۴۰ را مورد بررسی قرار می دهد؛ فصول بعدی کتاب به شرح ذیل سازماندهی شده است:
 فصل دوم، جنگ ها و استقلال (از ۱۸۴۰ تا ۱۹۱۴)؛ فصل سوم، لبنان بزرگ (از ۱۹۱۵ تا ۱۹۴۳)؛ فصل چهارم، جمهوری مستقل (از

۱۹۴۳ تا ۱۹۵۸)؛ فصل پنجم، جنگ داخلی (۱۹۵۸)؛ فصل ششم؛ بهترین سالها از (۱۹۵۸ تا ۱۹۷۰)؛ فصل هفتم، به سوی جنگ داخلی (از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۵)؛ فصل هشتم، جنگ داخلی و مداخله (از ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۲)؛ فصل نهم، جنگ دایمی (از ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۰)، و فصل دهم، سوریه جنگ را متوقف می کند (از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵). به دنبال این شرح طولانی تاریخی، وینسلو در سه صفحه پایانی کتاب، پیرامون آینده لبنان سخن می گوید. به نظر می آید که نگرانی اصلی نویسنده حضور ارتش سوریه و نیروهای آن در لبنان است. او برای رسیدن به هدف خروج کامل سوریه از لبنان، مردم این کشور را به تلاش و کوششی تشویق می کند که از نظر او شامل پنج اقدام اساسی، برحسب اولویت، است:

- ۱- درخواست نظام بندی مجدد جمهوری کاملاً مستقل لبنان،
- ۲- سازماندهی این نظام بندی مجدد بر طبق مفهوم میثاق الوطنی (پیمان ملی)،
- ۳- تأکید بر استقرار یک نظام سیاسی غیر فرقه ای به عنوان یک هدف نهایی،

۴- تأکید بر ابزار دیپلماتیک،
مقدم بر هرگونه اقدام نظامی،
۵- قرار دادن یک مسلمان، تا حد امکان،
در رأس رهبری این حرکت.

از نظر نویسنده، این حرکت در صورتی
موفقیت آمیز خواهد بود که اکثر
اعضای جوامع مسلمان در جمهوری، خود را
لبنانی بدانند. او می گوید
«بنابراین مسیحیان باید زمانی را فرض کنند
که در آن هنگام مسلمانان خواستار
نظام بندی یک لبنان کاملاً مستقل بوده و آن
را کشور خود بدانند» (ص ۲۹۴).
وینسلونجات لبنان را در دور شدن از
سیاست های فرقه ای و نزدیکی یک
نظام غیر فرقه ای و تخفیف یافتن
موانع طبقاتی می داند. کلید دیگر آینده
لبنان، در تحقق این مسئله نهفته است که
رهبران این کشور مدیریت
بازی «داخلی- خارجی» را برعهده بگیرند،
آن هم نه تنها به عنوان یک دولت مستقل،
بلکه به عنوان جزء فرهنگی و اقتصادی
منطقه. نویسنده، آینده لبنان را در چارچوبی
تحقق پذیر می داند که در قالب آن فرد
لبنانی و خاورمیانه ای در چهار سطح از رابطه

انسانی، از حمایت و حفاظت واقعی برخوردار
شود؛ ۱- بر خورنداری از
امنیت فردی به عنوان یک شخص؛ ۲- امنیت
در سطح اجتماعی که همسطح با
نظام «ملت-سیستم» در امپراطوری عثمانی
است که فرد را در سطح جامعه مورد حمایت و
حفاظت قرار می داد؛ ۳- فرد خاورمیانه ای
در سطح ملی از حفاظت برخوردار شود،
سطحی که در آن قانون حاکم بوده و رفت و
آمد در مرزهای ملی تحت کنترل قرار بگیرد؛
و ۴- شهروند خاورمیانه ای در
سطح منطقه ای حفاظت شود. در اینجا
محیط زیست منطقه باید به گونه ای
سازماندهی شود که تولید ثروت کافی و
توزیع آن، تحقق امنیت و حفاظت در
سه سطح نخست را امکان پذیر سازد.

وینسلودر مؤخره ای که در ۱۹۹۶ بر کتاب
نوشته، ضمن ابراز تأسف از وقوع درگیری
میان نیروهای حزب الله و ارتش اسرائیل و
کشتار قانا «این تازه ترین دور خشونت را
آن قدر احمقانه و بی ثمر» می داند که امیدوار
است «طرفین دریابند که هیچ یک پیروز
نخواهند شد و بازیهای قدیمی مؤثر
نخواهد بود». وی در بحث خود پیرامون آینده

دراز مدت لبنان، چنین می نویسد:

مردم حق دارند بپرسند: لبنان شبیه چه چیزی می تواند باشد؟ خاورمیانه شباهت به چیزی خواهد داشت؟ فردی که در بیروت زندگی می کند باید بتواند تلفن خود را بردارد و با کسی در بیت المقدس تجارت کند. خدیجه مریم ابراهام، باید بتواند در عرض روز از قاهره به دمشق براند و برای صرف نهار در بیت المقدس توقف کند.

وینسلو، در نهایت یک صلح آرمانی در منطقه می خواهد که در آن مسلمان، مسیحی و یهودی در کنار یکدیگر با آرامش زندگی کنند. این خدیجه مریم ابراهام، همان شخص آرمانی اوست: هم مسلمان، هم مسیحی و هم یهودی. با این همه او نمی گوید شرایط برقراری چنین صلحی میان سه گروه مذهبی [مارونی ها، مسلمانان و یهودیان] چه خواهد بود. این امر بویژه زمانی رمانتیک قلمداد می شود که پی ببریم، نویسنده پیرامون سیاست های سرکوب گرانه اسرائیل در منطقه، بویژه اشغال جنوب لبنان از سوی ارتش اسرائیل و

متحدان آن و سرنوشت این اشغالگری که عامل اصلی درگیریهای چندساله اخیر است، کوچکترین سخنی نمی گوید.

علاوه بر این، وینسلو در متن کتاب و در بحث تحولات تاریخی و درگیریهای فرقه ای تلاش چندانی برای تبیین حوادث و فرایندهای سیاسی به عمل نمی آورد. به طور مثال او توضیح نمی دهد که چرا در برخی دوره ها نظیر دوره متصرفات از ۱۸۶۰ تا ۱۹۱۴ و یا دوران پس از بحران ۱۹۵۸ تا آغاز جنگ داخلی ۱۹۷۵ و یا دوران قیمومت فرانسه و در فاصله سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۸، لبنان از ثبات و آرامش برخوردار بوده است. او همچنین به روشنی نمی گوید که ریشه جنگهای داخلی پس از ۱۹۷۵، داخلی بود یا ناشی از محیط خارج؟

با این همه، گرچه کتاب وینسلو با توجه به نکات مزبور دارای کمبودهایی است، اما این بدان مفهوم نیست که خواننده نمی تواند به کشف امتیازات و نکات سودمند نایل آید. گرچه نویسنده به جای پیروی از نظریات طرح شده در مقدمه، به شرح تحول تاریخی کشمکش های فرقه ای در لبنان می پردازد، اما همین بحث های تاریخی می تواند

خواننده را در طرح کلیات نظری یاری کند. به طور نمونه، شیوه مداخله قدرتهای اروپایی (فرانسه، روسیه، انگلستان و...) در پایان دادن به درگیریهای میان مسلمانان و مارونی ها در ۱۸۶۰، حمایت های عراق از جناح جنگ طلب مارونی (میشل عون) در سالهای ۹۲-۱۹۹۰، آسیب پذیری لبنان در قبال تحولات منطقه ای نظیر ملی کردن کانال سوئز در ۱۹۵۸، دکترین آیزنهاور در ۱۹۵۷ و تشکیل جمهوری متحده عربی میان مصر و سوریه در سالهای ۶۱-۱۹۵۸، تقویت کننده نظرات برخی از محققان خاورمیانه است که خاورمیانه را یک «نظام منطقه ای رخنه پذیر»^۵ دانسته و بر ادامه سناریوی مسئله شرق از قرن هجدهم به بعد اصرار می ورزد. نقش عوامل خارجی در تشدید شکاف های فرقه ای و کشمکش های داخلی در لبنان نیز، نظر برخی از محققان علوم سیاسی را که معتقدند مداخله خارجی باعث انسجام داخلی در جوامع می شود،^۶ به چالش می طلبد.

علاوه براین، کتاب به خوبی فرسایش نقش سیاسی دروزی های لبنان را که از اوایل قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم،

بازیگران محوری سیاست های لبنان و بویژه کشمکش های داخلی فرقه ای بودند، به نمایش می گذارد. بحث نظام متصرفات که پس از ۱۸۶۰ از سوی نیروهای خارجی در لبنان پیاده شد و به گسترش نقش سیاسی مارونی های لبنان منجر شد، یکی از نکات سودمند کتاب است که مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. خواننده همچنین با مطالعه توافقی نامه سالهای ۱۸۴۰ (رگلمان فرانسه) ردپای نظام فرقه ای تقسیم قدرت را در قرن نوزدهم پیدا می کند و یاد می یابد که قانون اساسی سال ۱۹۲۶، که به ابتکار فرانسه مطرح شد، پایه میثاق وطنی و تقسیم قدرت میان مارونی ها، مسلمانان سنی و شیعه بوده است. وینسلو، تقسیم بندی پنج گانه ای از انواع جنگها پس از ۱۹۷۵ ارائه می دهد که حاکی از ابتکار و دقت او در بحث پیرامون کشمکش های داخلی در لبنان است. یکی از سودمندترین نکات تاریخی کتاب، ترسیم دقیق پیچیده شدن سیاست های فرقه ای و اختلافات درون فرقه ها از یک طرف و ظهور گرایش های سیاسی جدیدی است که براساس آن، جناحهای یک فرقه علیه یکدیگر

کنید:

Augustus Richard Nortoni, ed., *Civil Society in the Middle East* (Leiden: E.J.Brill, 1995).

Ghassan Salame, ed, *Democracy Without Democrats?: The Renewal of the Politics in the Muslim World* (London: I.B. Tauris, 1994).

در باره سیاست خارجی و روابط بین الملل در خاورمیانه می توان به آثار زیر اشاره کرد:

Bahgat Korany and Ali E. Hillal Dessouki, *The Foreign Policy of Arab States: the Challenge of Change* (Boulder: Westview, 1991).

Bassam Tibi, *Conflict and War in the Middle East, 1967-91: Regional Dynamic and the Superpowers* (New York: St. Martin Press, 1994).

4. Levantine Paradigm.

5. A Penetrated Political System.

این اصطلاح را کارل براون در اثر خود به منطقه اطلاق می کند و هم اوست که به تداوم مسئله شرق پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی اعتقاد دارد. نگاه کنید به:

L. Carl Brown, *International Politics of the Middle East: Old Rules, Dangerous Games* (London: I.B. Tauris, 1984).

۶. نگاه کنید به:

A. Lijphart, *Democracy in Plural Societies* (New Haven: Yale University Press, 1997).

موضع گیری کرده و به طرف مخالفان سابق خود در میان فرقه های دیگر، دست اتحاد دراز می کنند. بهترین نمونه این تحول پیچیده و ظریف را می توان در ترسیم شکاف های عمیق میان جناحهای گوناگون مارونی، بویژه در داخل نیروهای فالانژیست (اختلافات میان سمیر جمع، ایلی حبیقه و میشل عون) برسر توافق های سیاسی آینده کشور، بویژه قرارداد طایف و طرح سوریه برای حل اختلافات داخلی لبنان در پایان دهه ۱۹۸۰ مشاهده کرد. وینسلو بخوبی از عهده ترسیم این پیچیدگی سیاست های درون فرقه ای برآمده است.

حمید احمدی

استادیار دانشکده حقوق و

علوم سیاسی دانشگاه تهران

پی نوشت ها:

1. Theoretical Underdevelopment
2. Fawaz A. Gerges, "The Study of Middle East International Relations: A Critique," *British Journal of the Middle East*. 1992.

۳. این مطالعات نظری، هم در رابطه با تحولات و پویایی های داخلی و هم در رابطه با سیاست خارجی منطقه ای کشورهای خاورمیانه و روابط بین الملل منطقه صورت گرفته است. به طور نمونه، درباره سیاستهای داخلی، به آثار مربوط به رابطه دولت و جامعه مدنی رجوع